

احکام دام گستری از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه اهل سنت

□ محمدعلی ناصری *

□ عبدالوهاب روحانی *

چکیده

دام گستری به معنی پهن کردن دام توسط مقامات قضایی و مأموران امنیتی برای کشف جرم، یا تحصیل دلیل علیه افراد که از نظر آنان مظنون است انجام می‌گیرد، به خاطر که وظیفه اصلی ضابطان قضایی مأموران امنیتی در هر کشور پیشگیری از وقوع جرم، کشف جرم و تعقیب مجرمان است، به سبب تجربه و درایت بالای مجرمان تلاش‌ها و عملیات ضابطان و مأموران امنیتی نتیجتاً خنثی و تامین کننده امنیت جامعه اسلامی نبوده، لذا مجبور به استفاده از روش‌های جدید علمی همانند دام گستری شده‌اند که مسأله‌ی اصلی بحث جواز یا عدم جواز این روش‌ها است زیرا از موضوعات بسیار مهم در حقوق کیفری، مسأله تحصیل دلیل است، که اگر در تحصیل دلیل ضوابط و مقررات شرعی و قانونی رعایت نگردد دلیل حاصله برای کشف و اثبات یک واقعه مجرمانه، فاقد اعتبار است، دام گستری از منظر فقه اسلامی در این تحقیق بدان پرداخته است، از جمله دست آورد این مقاله این است که استفاده از روش دام گستری بنابر مفاد اصل اولی عدم جواز است که مصداق اتم آن همان هتک حرمت حریم خصوصی افراد است که به اتفاق همه علماء، فقهاء، جایز نیست و حرام می‌باشد ولی نسبت به مصالح عمومی و منافع ملی که وقتی از ناحیه مجرمین خطرناک مورد تهدید و خطر قرارگیرد و روش‌های سنتی و عادی جوابگوی این تهدیدات نیست استفاده از آن برای ضابطان و مأموران امنیتی به خاطر انجام وظیفه نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری است، بنابراین استفاده از این روش به طور مطلق مورد پذیرش و یا رد واقع نشده بلکه با توجه به مصالح فردی و اجتماعی قابل قبول و یا رد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: دام گستری، دفاع، کشف جرم، استناد، تسهیل وقوع جرم، دلیل و پلیس مخفی.

* طلبه سطح چهار فقه و حقوق قضایی.

** طلبه دوره دکتری رشته فقه و حقوق قضایی گرایش جزا و جرم‌شناسی.

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بخش از توصیه‌های خود در بیانیه گام‌دوم انقلاب، عدالت و مبارزه با فساد، را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و فرموده، فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها، اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است... و این ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

همچنین رهبری در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در مورد اصل مبارزه با فساد فرموده که « مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. (خامنه‌ای/۱/۱۳۹۴) رهبری در دیدار با مسئولان قضایی توصیه فرمودن... البته در مقوله مبارزه با فساد، کار اصلی، مقابله با ساختارهای فسادزا و در هم شکستن آنها است. (خامنه‌ای/۷/۱۴۰۱) در این مقاله طبق منویات و سفارشات مقام معظم رهبری که مبارزه با فساد و ایجاد عدالت را لازم ملزوم هم دانسته؛ تلاش شده است از شیوه نوین مبارزه با مجرمین و مفسدین که روش دام‌گستری است بهره گرفته شود، معنی و مفهوم از دام‌گستری به نحوی که امروز در نزد حقوقدانان و مقامات قضایی منظور و مقصود است، در ابواب و مباحث فقهی یا تقریرات فقیهان به آن توجه و اشاره‌ای نشده است، بخاطر اینکه فقه مکتب شیعه پیش از استقرار و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران در حاشیه و انزوا افتاده بوده است، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی فقه شیعی، فقه شیعه وارد مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی شد، که باید به نیازهای روز جامعه اسلامی توجه نموده و آن را پاسخگو باشد و در زمینه‌های مختلف از مباحث اجتماعی و سیاسی مردم باید طرح و برنامه داشته باشد.

دام‌گستری در اصطلاح براساس یافته‌های تحقیقی که از برخی فقهای عظام در زمینه تجسس و جاسوسی و یا تحقیقات و تفتیش‌های مخفی انجام داده‌اند برای واژه دام‌گستری اصطلاح شرعی یا متشرعی در شریعت اسلام و یا مباحثی فقهی وارد نشده است، لذا کاملاً

یک اصطلاح جدید و غیر معروف و ناشناخته است، اگر درجایی هم به عنوان موضوع حکمی به کار رفته باشد، باید به لحاظ معنای چون جاسوسی و تجسس بوده باشد که با این عناوین از نظر هدف و روش و ... اشتراکات دارد.

لذا حکم آن بنا بر مفاد اصل اولی عدم جواز و لی نسبت به مصالح عمومی و منافع ملی که وقتی از ناحیه مجرمین خطرناک مورد تهدید و خطر قرارگیرد و روش‌های سنتی و عادی جوابگوی این تهدیدات نیست استفاده از آن برای ضابطان و ماموران امنیتی به خاطر انجام وظیفه نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری است، بنابراین استفاده از این روش به طور مطلق مورد پذیرش و یا رد واقع نشده بلکه با توجه به مصالح فردی و اجتماعی قابل قبول و یا رد قرار گرفته است.

گفتار اول: مفهوم دام‌گستری در لغت

تبیین مفهوم و معنای دام‌گستری در لغات فارسی و عربی در این گفتار بررسی می‌شود.

الف- در لغت فارسی

در لغت فارسی دام‌گستری را به معنای گسترده تله و دام برای شکار کردن چیزی دانسته است (فرهنگ دهخدا واژه‌دام). همانند اینکه ماهی گیران برای شکار ماهی‌ها تله و دام‌های خود را در آب پهن می‌کنند یا صیادان برای شکار پرنده‌های خاص به گسترده دام اقدام می‌کنند (معین، ص ۶۸۷) بنا بر این دام‌گستری (Difinition and concept of Entrapment) در لغت فارسی به معنی پهن کردن دام، گسترده ابزار صید، و یا تور و تله برای شکار می‌باشد (دهخدا، همان) مرحوم آقای شاهرودی در این رابطه می‌نویسد: دام به معنای نخست، عبارت است از وسیله‌ای همچون تور و مانند آن که برای گرفتار کردن و صید جانوران در جایی کار می‌گذارند. از آن در باب صید و ذباحتی سخن گفته‌اند (شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۵۷۵) کسی که به قصد صید، دامی می‌افکند آنچه در دام افتد مالک می‌شود، هر چند پس از به دام افتادن فرار کند، از این رو، چنانچه کسی دیگر آن را صید کند مالک نمی‌شود گویا آن صید مالک دارد که همان صیاد قبلی باشد (نجفی/۳۶/۲۰۲-۲۰۴)

ب- در لغت عربی

در لغت عربی کلماتی همانند ارساد، عین و فح نیز به معنی دام‌گستری و یا معادل و مرتبط با آن به کار رفته‌اند، که به بررسی این کلمات می‌پردازیم، واژه ارساد در لغت، به معنای کمین نهادن، مراقبت کردن و دام‌گستردن آمده است (دهخدا، واژه‌رصد) فیومی واژه‌رصد را چنین مقرر می‌دارد: «الرَّصَدُ: الطَّرِيقُ وَالْجَمْعُ (أَرْصَادٌ) مِثْلُ سَبَبٍ وَ أَسْبَابٍ. وَ (رَصَدْتُهُ) (رَصَدًا) مِنْ بَابِ قَتَلَ قَعَدْتُ لَهُ عَلَى الطَّرِيقِ. وَ الْفَاعِلُ (رَاصِدٌ) وَ رَبَّمَا جُمِعَ عَلَى (رَصَدٍ) مِثْلُ خَادِمٍ وَ خَدَمٍ. وَ (الرَّصَدِيُّ) نِسْبَةٌ إِلَى (الرَّصَدِ) وَهُوَ الَّذِي يَقْعُدُ عَلَى الطَّرِيقِ يَنْتَظِرُ النَّاسَ لِيَأْخُذَ شَيْئًا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا». (فیومی، المصباح المنیر، ۲/، ۲۲۸) فراهید درباره‌رصد نیز می‌نویسد: «المَرَصِدُ: موضع الرَّصْد. والرَّصْدُهم القوم الذین یُرصدون کالْحَرَسِ» (فراهیدی، کتاب العین/۷/۹۶) به معنای کمین نهادن، مراقبت کردن و دام‌گستردن آمده است (دهخدا، همان) واژه «الرصد» درقرآن کریم به معانی چون آمادگی برای مراقبت، نگهبانی و دیده بانی کردن، و یا چیزی را درنظر گرفتن (کمین کردن) آمده است (راغب، مفردات، ۲/، واژه‌رصد) چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» (التوبه / ۱۰۷) ساختن مسجد ضرار با همین هدف و معنا منافقین بنا کردند که با خدا و پیامبرش به جنگ برخیزند و آماده کنند (جمع از محققان/۲/۱۶۷) درکتاب لغت نیز همانند صحاح، قاموس، اقرب تصریح دارند که چون بعد از ارساد «لام» آید بمعنی آماده کردن است (قرشی، ۳/ ۱۰۱) ارساد به معنی به کمین نشستن، در باب جهادهم این به همین مناسبت به کار رفته است (شاهرودی/۱/۳۵۸) که به کمین نشستن و دیده‌بانی کردن از مرزهای کشور اسلامی برای عموم مسلمین مستحب مؤکد بوده و هم چنین در هر نقطه از مرزهای کشور که احتمال خطر و یا هجوم کفار وجود داشته باشد رصد کردن واجب است «و المرابطة إرساد لحفظ الثغر و المراد به الموضع الذی یکون بأطراف بلاد الإسلام للإعلام بأحوال المشرکین علی تقدیر هجومهم علی بلاد الإسلام» (طبا طبایی/۸، ۱۶، ۱۸)

یکی دیگر از الفاظ که درمعنای دام‌گستری و یا معادل و مرتبط با آن استعمال شده واژه عین است، و مشاهده می‌کنیم که واژگان عین و جاسوس به یک معنا استعمال شده در چنانکه

فیومی به این مطلب اشاره می‌کند: «انّ العین هو الجاسوس» (فیومی، همان/۲/۱۰۱) یعنی عین همان جاسوس، و جاسوس همان عین است، زیرا عمل جاسوس با چشم (عین) انجام می‌گیرد، یا به دلیل اینکه اهمیت جاسوسی بانگاه کردن و رؤیت است، مثل اینکه تمام بدن جاسوس چشم می‌شود «انّ الجاسوس یسمی عینا لانّ عمله به عینه او لشدة اهتمامه بالزّویة ... فکان جمیع بدنه صار عینا» (شوکانی/۸/۱۰) و یا جاسوس با واژه عین لازم و ملزوم است از همین رو است که جدای و تفکیک این دو کلمه در جمیع حالات و موارد ممکن نیست و نوعا همیشه با هم استعمال می‌شود (شاهرودی، ج ۱۰، ص ۴۰۱). یکی از روش‌های کشف و تعقیب مظنونین و متهمین به جرم رصد اطلاعاتی و استخباراتی آنان است، پلیس برای این کار در مرحله اول به شناسایی موقعیت و قرارگاه آنان می‌پردازد، تا هرچه زود تر به نتیجه مثبت رسیده و عملیات شان را انجام دهند، که این نوع عملیات را در لسان ضابطان به عملیات تعقیب و مراقبت معروف است، در کتاب مهارت‌های انتظامی شماره (۴) اطلاعات معاونت تربیتی و آموزشی ناجا، فصلی مرتبط به این موضوع دارد که فصل پنجم آن با عنوان تعقیب و مراقبت از هدف تحریر یافته، معنی و مفهوم آن این است که تحت نظر و مراقبت گرفتن یک هدف و مظنون و یا یک سوژه و محل را از چند موضع زیر نظر قرار دادن (ناجا/ ۴/ ۹۱-۸۹)

واژه فح، نیز در لغت عرب به معنی دام گستری و مصیده استعمال شده ابن منظور دارد: «الفح، آله یصاد بها، والجمع فحاخ وفخوخ، مثل سهم وسهام» (ابن منظور/۳/۴۱) زبیدی می‌نویسد: «الفح المصیده، بکسرالمیم، وهی التی یصاد بها معروف، جمع فحاخ وفخوخ بالكسر والضم» (زبیدی/ ۴/ ۲۹۷) لغت نامه دهخدا نوشته: فح (فَ- ا) تله، وآن آلتی است که بدان جانور گیرند، نژنک (برهان) حباله، مصیده، احبول احبوله نیز آمده است (منتهی الارب).

گفتار دوم: مفهوم دام گستری در اصطلاح

دراین گفتار مفهوم اصطلاحی دام گستری که بسیار نقش مؤثر در مباحث آتی دارد از منظر فقهی، و حقوقی مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد.

الف - در اصطلاح فقهی

معنی و مفهوم از دام‌گستری به نحوی که امروز در نزد حقوقدانان و مقامات قضایی منظور و مقصود است، در ابواب و مباحث فقهی یا تقریرات فقیهان به آن توجه اشاره نشده است، بخاطر اینکه فقه مکتب شیعه پیش از استقرار و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران در حاشیه و انزوا افتاده بوده است، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مبانی فقه شیعی، فقه شیعه وارد مسائل اجتماعی، سیاسی و حکومتی شد، که باید به نیازهای روز جامعه اسلامی توجه نموده و آن را پاسخگو باشد و در زمینه‌های مختلف از مباحث اجتماعی و سیاسی مردم باید طرح و برنامه داشته باشد.

دام‌گستری در اصطلاح براساس یافته‌های تحقیقی که از برخی فقهای عظام در زمینه تجسس و جاسوسی و یا تحقیقات و تفتیش‌های مخفی انجام داده‌اند برای واژه دام‌گستری اصطلاح شرعی یا متشرعی در شریعت اسلام و یا مباحثی فقهی وارد نشده است، لذا کاملاً یک اصطلاح جدید و غیر معروف و ناشناخته است، اگر در جایی هم به عنوان موضوع حکمی به کار رفته باشد، باید به لحاظ معنای چون جاسوسی و تجسس بوده باشد که با این عناوین از نظر هدف و روش و ... اشتراکات دارد (مشکینی/۱۲۸) اکثر فقیهان نه تنها دام‌گستری بلکه جاسوسی را هم تعریف نکرده‌اند، به عنوان باب مستقل وارد آن نشده‌اند اگر اشاره‌ی هم شده باشد در لابه لای بحث‌ها به طور پراکنده طرداً للباب واژه جاسوس مورد اشاره قرار گرفته است، که نوعاً به جای جاسوسی کلمه عین مورد توجه قرار گرفته است (سیاست متعالیه، سال ۶، شماره ۲۰، بهار ۹۷).

بنابراین بر اساس مفاد مبانی و منابع فقهی دام‌گستری در فقه اسلامی سابقه ندارد، لذا تعریف جامع اصطلاحی و مطلبی در این زمینه از فقهاء عظام یافت نکردیم. علت این امر هم می‌تواند اولاً: به دلیل فقدان یک بحث مستقل در خصوص این موضوع در ابواب فقه است. ثانیاً: می‌توان خلاء نص و روایات را در ارتباط با موضوع دام‌گستری نام برد. ثالثاً: از آن جای که شیعه سالیان متمادی از اداره جامعه اسلامی از طریق استقرار حکومت اسلامی بهره‌مند نبوده و با پیروزی انقلاب اسلامی، مباحث فقه حکومت مورد توجه قرار گرفته است، ضرورتی نسبت به طرح این بحث نبوده است.

معیار و ضابطه‌ی کلی در باره دام گستری جایز از غیر جایز اینست که هر طریقی مشروع که از گذران اهداف شرعی و مصالح عمومی هم چون بجای آوردن فرمان خداوند و پرهیز از آنچه از آن نهی فرموده، احیای حقوق ضایع شده، یاری ستمدیده و انتقام ستاندن از ستمگر بر آورده شود حلال است مثل (مباح، مستحب یا واجب) و حتی انجام دهنده و آموزش دهنده اش نزد خداوند پاداش دارند، در برابر هر طریق و روشی که به بازیچه ساختن اهداف شریعت، نقض کردن حریم خصوصی افراد همچون اسقاط واجب، حلال کردن حرام، حق نمایانند باطل و باطل نمایانند حق، ضایع نمودن حقوق بزه‌دیده بینجامد ممنوع و حرام است، و انجام دهنده و آموزش دهنده اش نکوهیده و مذموم است، خواه شیوه‌ای که برای رسیدن به این هدف به کار گرفته می‌شود خود شیوه‌ای حلال باشد و خواه حرام (عبدالوهاب/ ۴۳) خلاصه دام گستری و یا تحقیقات مخفی در اصطلاح فقهی قریب به معنای لغوی آن عبارت است از رفتار تحریک کننده، اغفال کننده، فریب آمیز و همرا با نیرنگ، از ناحیه مقامات قضایی در راستای کشف جرم و یا کسب اطلاع از اسرار مردم و نیز تأمین دلیل علیه فردی و یا متهمی مورد نظر که او را وادار به انجام ارتکاب جرم و یا رفتار هنجارشکنانه می‌نماید، به آن دام گستری و یا تحقیقات مخفی گفته می‌شود، که به مفهوم لغوی آن بسیار نزدیک است.

در نتیجه دام گستری عبارت است از تحریک کردن فردی به ارتکاب جرم به وسیله اغفال یا اغفال کردن بیش از حد از سوی مأمور اجرای قانون و یا ضابطان قضایی جهت تعقیب و کیفری همان فرد.

ب- در اصطلاح حقوقی

در اصطلاح عام حقوقی نیز پیوند با مفهوم لغوی آن حفظ شده، اختلاف در تعریف همه مفاهیم نوعاً وجود دارد در تعریف دام گستری از نظر حقوقدانان اختلاف وجود دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱- دام گستری طرح و پیاده کردن، نقشه ریزی ارتکاب یک جرم است آن هم توسط افسر پلیس، نسبت به کسی که اگر تحریک، اغفال، فریب و اقناع و یا احتیال و تدلیس مأمور حکومت نبود، او

انجام نمی‌داد (Michael A. Defeo, Entrapment As A defense to Criminal Responsibility: its history, Theory and Application.p (۲۰۱۳))

۲- بعضی دام‌گستری را مترادف با «مجموعه‌ای از عملیات محیلانه و مخفیانه مأموران» تعریف کرده‌اند، «عملیات محیلانه به رفتارهای گفته می‌شود که توسط مأموران پلیس در قالب اقدامات کنشی و فعالانه، موجبات ترغیب و تحریض یک فرد به ارتکاب جرم را به منظور کسب ادله و محکوم کردن وی فراهم می‌کند» (دانش انتظامی، شماره ۵۳ ص ۱۱۴) در این تعریف بیشتر توجه به قید محیلانه بودن دام‌گستری شده است که توسط پلیس محقق می‌شود.

۳- دام‌گستری همان عملیات محیلانه را به اذهان می‌رساند ولی در واقع دام‌گستری مترادف با عملیات محیلانه نیست (سروری/ ۹) بلکه عملیات مخفیانه پلیس است که باعث تداعی و تحریک آن می‌شود. (Undercover operations در ماده ۱۱۳ قانون اجرائات جزای افغانستان نیز تعبیر به اقدامات مخفی کشفی شده است.)

بررسی قید محیلانه بودن دام‌گستری، اولاً عملیات محیلانه عامتر و وسیع‌تر از دام‌گستری است به خاطر که شامل هر نوع عملیات مخفیانه همانند دسیسه و فریب، دستکاری و تقلب، دخالت به حریم خصوصی افراد، استراق سمع، تحریک و متمایل ساختن افراد به ارتکاب جرم، دوستی و رفاقت‌های ظاهری، جاسوسی و ... می‌شود (Derrick Augustus Carter "To Catch the lion, Tether the Goat: Entrapment, conspiracy and sentencing Manipulation ,Akron Law Reviw: Vol. 42: Iss. 1, article 4.p144) درحالی که دام‌گستری و تحریک فقط مربوط یک بخشی از عملیات‌های مخفیانه پلیس و ضابطان قضایی را تشکیل می‌دهد نه همه مصادق و موارد آن.

ثانیاً به تعبیرکرد جزای افغانستان، اقدامات مخفی کشفی، یا عملیات محیلانه جزء وظایف پلیس و مأموران امنیتی و استخباراتی بوده، که در تمام نقاط جهان مورد اجرا و عملیات پلیس قرار می‌گیرد، و از نظر قانون مشروع تلقی می‌گردد. ولی دام‌گستری مربوط به مصالح عمومی جامعه بوده که به خاطر عدم تفکیک بین دخالت در حریم خصوصی و بین مصالح کلی جامعه، همانند حفظ نظام اسلامی و حفظ مال و جان مردم از شر باندهای فسادپیشه رویکرد واحد نسبت به آن در جهان

اتخاذ نشده است (کودهای جزایی افغانستان، ماده ۱۱۳، نیز حسن علی مؤذن زادگان «وضعیت دفاع دام گستری ... بهار و تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۳، ص ۲۴).

از باب نمونه دام گستری برای مدت مدیدی و تا کنون هم در اکثر کشورها به عنوان زمینه تیره و دفاع به نفع متهم شناخته نشده، به خاطر مبهم بودن این دفاع است. (Anthony M. Dillof, *Unraveling unlawful Entrapment*, ۹۴ Crim. L. & Criminology ۸۲۷, ۲۰۰۳-۹۴۲۰۰۴-93 P.). چون که گاهی دام گستری به زیر استاندارد ها مقرر تنزل پیدا نموده و باعث فریب یک شهروند عادی در رفتار تبهکارانه می شود (محمدی/۱۸/۱۳۸۴). این اصطلاح توسط رأی شعبه ۱۹ دادگاه تجدید نظر استان تهران مورد استفاده قرار گرفته است که طی دادنامه شماره ۱۱۶۶ آمده است) بلی گاهی عملیات محیلانه می تواند به عنوان مقدمه و یا پیش شرط تحقق دام گستری به حساب آید، به این معنی که اگر تحریک و دام گستری ضابطین قضایی نبود، او مرتکب جرم نمی شد، رابطه آن ها عام و خاص مطلق است زیرا عملیات محیلانه هرگونه اقدامات مخفیانه پلیس را شامل می شود درحالی که دام گستری فقط بعضی از عملیات محیلانه پلیس می باشد، همانند تنزل از حد استانداردهای قانونی مثل تحریک برای ارتکاب جرم فقط (سروری، همان، ص ۱۰) ولی خدعه و فریب برای وقوع جرم از جانب پلیس، همانند رفتارهای قانون شکنانه و ظالمانه دولت و دستگاه قضا از کلماتی هستند که مرادف با دام گستری به کار برده شده است (مؤذن زادگان، پشین، ص ۱۸-۱۵)

در نتیجه هرکدام از تعاریف گذشته دارای مشکل است همانند عدم جامعیت کافی، زیرا هریک نسبت به بخش های خاصی از تعریف اشاره دارند: بعضی دام گستری را برای ارتکاب جرم دانسته و از کشف جرم به روش آن غافل بودند. برخی از تحصیل دلیل به روش آن بیگانه بودند. تعدادی هم از شرایط تحقق و عوامل تاثیرگذار در آن بازمانده بودند.

۴- تعریف جامع تر از دام گستری که نواقص تعاریف فوق را نداشته و به نکات یاد شده توجه نموده است تعریف ذیل خواهد بود: «دام گستری عبارت است از اقدامات مخفیانه مأمورین دولتی از طریق تحریک، ترغیب، اغفال و فریب اشخاص برای ارتکاب یا کشف جرم و دستگیری مرتکبان و تحصیل دلیل علیه آنان» شرایط و قیود که در تعاریف فوق مغفول گرفته شده بود در این تعریف لحاظ

شده همانند تحقق دام‌گستری توسط مأموردولت، نه فردی عادی، مخفی کردن هویت خود، که مرتکب جرم را با خیال راحت انجام دهد، دراین ارتکاب مداخله فعالانه داشته باشد، نه فقط با اختفاء هویت، به دام‌گستری برای کشف جرم و تحصیل دلیل علیه متهم پرداخته باشد، با لحاظ این شرایط و قیود یک تعریف جامع‌تر و کاملتر از قبلی‌ها ارزیابی می‌گردد (شهرام ابراهیمی، پشین/۷).

توجه به این نکته لازم است که بسیاری از حقوقدانان معاصر معتقدند که دام‌گستری با استفاده از خدعه، فریب و نیرنگ به دنبال تحقیق و کشف جرمی که قبلاً اتفاق افتاده یا در حال وقوع است موضوعاً خارج از حوزه دام‌گستری است زیرا دام‌گستری فقط دخالت مأمور پلیس و ضابطان در جرمی که هنوز ارتکاب نیافته متصور است (شهلا معظمی، پشین، پاورقی/۱۴۶).

باید توجه داشت که دام‌گستری منحصر به تحریک برای ارتکاب جرم نیست، زیرا در غیر این فرض کشف جرایم خطرناک و سازمان‌یافته، فاقد قربانی، مواد مخدر، جرایم مورد تراضی طرفین اعمال تروریستی و غیره که ارتکاب یافته و نظم عمومی جامعه را به شدت مختل کرده و صدمه زده است، هرگز از طرق دیگری غیر از دام‌گستری قابل کشف نیستند، چه خواهد شد؟ سؤالی است که پاسخ قانع‌کننده نخواهند داشت.

در نتیجه دام‌گستری مورد استفاده ضابطان قضایی، همه موارد را مانند دخالت پلیس و تحریک آنان پیش از جرم، حین جرم و بعد از آن را حتی برای تحصیل دلیل را شامل می‌گردد، اگر چه تعاریفی که در کامن‌لا از دام‌گستری ارائه گردیده است نیز تحریک بر ارتکاب جرم می‌باشد (ملک زاده/۱۱).

گفتار سوم: ادله حکم جواز و یا عدم جواز دام‌گستری از نظر فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام

حکم جواز و یا عدم جواز دام‌گستری از نظر فقه اهل‌بیت علیهم‌السلام در طی مباحث چون برخورد با فساد و عدم اعتبار دادرسی غیرعادلانه در ضمن دو بخش تحقیق و بررسی می‌شود.

بند اول: ادله حکم جواز دام‌گستری

دراین بخش که ادله جواز دام‌گستری در ضمن مباحث همانند وجوب برخورد با فساد و وجوب تجسس از ناحیه افراد مسئول چون ماموران پلیس و ضابطان قضایی لازم و ضروری است.

الف - وجوب برخورد با فساد

برخی از فقها استفاده از روش دام گستری را جایز می‌دانند از منظر این فقهاء یکی از واجبات برخورد با فساد و ریشه کنی آن از جامعه اسلامی است و این مهم از طریق تحت تعقیب قرار دادن و دام گستری کردن موارد اتهامی و تحقیق پیرامون آثار جرم و تلاش برای کشف و برملا شدن حقایق بیشتر محقق خواهد شد، چنانکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «جزاین نیست که کیفر کسانی که با خدا و رسول او می‌جنگند و در زمین فساد می‌کنند و به تبه کاری می‌پردازند، این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست و پاهایشان برخلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید گردند این برای خفت و خواری آنها در دنیا است و آنان را در آخرت عذابی بزرگ است» (مانده/۳۳).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در عهد نامه خویش به مالک اشتر، این توجه را می‌دهد که قضاتی را برای منصب قضاوت برگزیند که برای کشف حقایق و جرائم صبور و بردبار باشند. «ثم اختر للحکم بین الناس أفضل رعیتک فی نفسک ممن لا تضیق به الامور، ولا تمحکهُ الخُصوم، و لا یتِمادی فی الزلّة، و لا یحصر من الفیء الی الحق إذا عرفه و لا تُشرف نفسه علی طمع...» (نهج البلاغه،/ ۴۳۵) که این حدیث دال بر جواز دام گستری است که به تحقیق اندک اکتفا نکند بلکه باید حقیقت قضیه جرمی را کشف و روشن نماید به وسیله صبر و شکیبایی خود.

از این نامه حضرت امیر به دست می‌آید که یکی از وظایف دولت اسلامی تشکیل سیستم استخباراتی است (معرفت/ ۳۵۶) بخاطر که مسأله مبارزه با فساد در دولت های مدرن امروزی نیز به عنوان یک اصل غیر قابل اغماض مطرح است (دری نجف آبادی، مجله علمی پژوهشی حکومت اسلامی، شماره ۱۷) چون اهمیت اصل مبارزه با فساد است که رهبری معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی فرموده: «مبارزه با فساد، یک جهاد همه جانبه است (خامنه ای/ ۱۳۹۴/۰۱) اگر فرض کنیم پنج یا ده دستگاه دیگر هم به وظایفشان عمل نکنند اما نیروی انتظامی یک نیروی انتظامی صحیح العمل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم باشد، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد، می‌توانید مایه‌ی آبرو باشید» (خامنه ای/ ۱۳۹۴/۰۲)

استفاده از امکانات و روشهای علمی نوین چون **دام گستری** برای کشف جرایم و تعقیب مرتکبان آن یکی از ضروریات غیر قابل اغماض است (قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و مواد ۲۳۷ و ۲۴۱ و نیز قانون آیین دادرسی کیفری لهستان ۲، ماده ۹۵ و ۷۰۶) گاهی افرادی هستند اما نه انسانهای ساده و معمولی بلکه دارای درایت و نبوغ فوق العاده قوی که می توانند با مسؤلان حکومتی ارتباط برقرار نمایند یا امکانات و ابزار پیشرفته در اختیار دارند و یا دارای نیروی متخصص و روشنفکری بوده، به نحوی که هم در ارتکاب جرم و هم در امحاء و اخفای آثار و ادله جرم ارتكابی از استعداد و نبوغ بالای برخوردارند که در شرایط سخت و قرار گرفتن در مهلکه به راحتی خود را نجات دهند (نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم. و نیز الزامات تساوی سلاحها در رفتار دادستان و متهم؛ با نگاهی به جرایم اقتصادی، ص ۱۷۷)

در نتیجه اگر هدف از دام گستری دخالت در حریم خصوصی افراد و احیاناً زیر سؤال بردن شخصیت آنان و افشای اسرار آنان باشد حرام بوده و کسی آن را جایز نمی داند، اگر برای برخورد با فساد و شناسایی دشمنان و یا مجرمین خطرناک و مبارزه با مفسدین و خائنین به کشور و نظام اسلامی باشد قطعاً از موارد جایز خواهد بود، مادر برخی از ابواب فقه در مورد غیبت داریم که اگر برای غرض عقلائی باشد حرام نیست بلکه جایز است، مانند اینکه در مقام تظلم و یا جرح و تعدیل باشیم (کرکی، ۶، ۲۷/۱۴۲۱، ۲۷)

ب - وجوب تجسس از ناحیه مسؤل

هر نظام سیاسی برای حفظ موجودیت و استقلال خود، باید از ابزار و آلات لازم دفاعی بر خوردار باشد، خصوصاً نظام که بر اساس آرمانهای دینی و اسلامی شکل گرفته باشد همانند نظام جمهوری اسلامی ایران که دشمنان قسم خورده فراوانی خواهد داشت، البته وجود سیستم اطلاعاتی و استخباراتی منظم و منسجم که با پرورش و تربیت نیروهای استخباراتی توانمند و دام گستران زبر دست و زیرک تا بتوانند رفتار دشمنان داخلی و خارجی اسلام را در هر زمینه رصد کرده و با شناسایی عناصر مخرب آن طرحها و برنامههای آنان را خنثی کنند.

لذا خداوند سبحان به مجهز شدن آمادگی رزمی و یا تاکتیکیهای پیچیده میدانی دستور می دهد و می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (الانفال / ۶۰) و در برابر آنها (دشمنان) تا

می‌توانید نیروآماده کنید، همانطور که روشن و بدیهی است، که جمله «ما استطعتم» عام و کلمه «قوه» به صورت نکره آمده که عمومیت آن را تقویت می‌کند (پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی، ص ۱۴۸)

پس دستورآیه شریفه هرگونه نیرو و ابزارهای آمادگی در نبرد را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ج ۷، ۲۲۴) مطابق با این معنا و مفهوم داشتن سیستم استخباراتی در حکومت اسلامی ضروری است (مکارم همان، ۴۰۳/۲۷) در روایتی از امام رضا علیه السلام، نقل شده (کان رسول الله صلی الله علیه و آله إذا وجه جيشاً بعث معه من ثقاته من يتجسس له خبره.) که سیره و روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله این بود هرگاه حضرت سپاهی را به مأموریت اعزام می‌کرد، برخی از افراد قابل اعتماد و مورد وثوق را به عنوان بازرس ویژه و مأموران مخفی، به همراه ایشان می‌فرستاد (اخوان، ۷۰۲/۲، ح ۷۰۱)

بلا ذری در انساب الاشراف می‌نویسد، علی علیه السلام هنگامی که ابوالاسود دؤلی از خیانت کارگزاران آن حضرت خبر داد چنین نوشت: «نامه ترا در یافتیم، مانند تو است که خیر خواه امام و امت است ... پس خبردهی را رها مکن و هر آنچه درنگ در آن را به صلاح امت دیدی گزارش کن؛ چه آنکه سزاوار آن هستی و این بر تو واجب است والسلام» (بلاذری، ۱۷۰/۲) مالک بن کعب ارحبی، فرماندار عین التمر بود حضرت علی علیه السلام طی فرمانی به او نوشت: «أما بعد، فاستخلف علی عملک و اخرج فی طائفة من أصحابک حتی تمر بأرض کورة السواد فتسال عن عمالی و تنظر فی سیرتهم ... در حوزه مأموریت خود، کسی را به عنوان جانشین بگذار و با گروهی از یاران بیرون برو تا وارد عراق شوی و در باره کارگزاران و کارکنان و عمال من، از دجله تا منطقه غدیب، پرسش و تحقیق کنی و بر اعمال و سیره آنان، نظارت و بازرسی کنی» در این نامه نیز حضرت به روشنی دستور به تفتیش و تحقیق می‌دهد. (نهج البلاغه، خطبه ۳۹)

خطاب به مالک اشتر فرمود: «افزون بر این، از گماردن مراقبانی امین و حقیگو با مردم، بر کار کنانت دریغ مکن تا فساد هر مفسدی از زیردستان را گزارش دهند و مردم بدانند که تو از کم کاری و نا کارایی آنان با خبری» (آمدی، ص ۱۳۴) در حدیث دیگری امام موسی بن جعفر علیه السلام به سخنان دو نفر از غلامان خود که در حال صحبت با دو تن از کنیزکان بودند گوش فراداد و فرمای آن روز، غلام‌ها را به شهری و کنیزها را هم به شهر دیگر فرستاد (حمیری، ۳۳۷) از آنجا که عمل

معصوم علیه السلام حجت است، پس عمل امام حاکی از جواز جاسوسی و کسب اطلاعات در چنین موارد است (سیاست متعالیه سال ششم شماره بیستم بهار ۷۹ و نیز جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه، ص ۱۴۱ تا ۱۵۶) اگرچه از نظر مفهوم مراقب و دام‌گستری فرق دارد ولی از نظر هدف که کشف امور مخفی و پنهانی باشد با هم فرق ندارد.

حکم اولی عقل نیز حرمت تجسس است ولی برای رعایت مصالح نظام و امنیت جامعه اسلامی همین عقل حکم به جواز تفتیش و تجسس در حریم خصوصی افراد می‌دهد^۱ منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۴/۲۸۳.

در نتیجه به مقتضا و مفاد ادله اعم از کتاب، سنت و عقل می‌توان لزوم تجسس و دام‌گستری را برای مقامات قضایی و ماموران امنیتی اثبات نمود، زیرا با توسل به این روش‌ها چون دام‌گستری و تفتیش‌های مخفی برای تعقیب مجرمان و کشف جرمی که اتفاق افتاده جامعه از لوٹ وجود شان پاک و امنیت آحاد آن جامعه تضمین می‌گردد (فصلنامه علمی پژوهشی/۱۵۴)

بند دوم: ادله حکم عدم جواز دام‌گستری

حکم عدم جواز دام‌گستری از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام در طی مباحث چون اجماع، فتاوی فقها و عدم اعتبار دادرسی غیر عادلانه که دال بر عدم جواز اند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - اجماع و فتاوی فقهاء

در فقه شیعه عدم جواز جاسوسی و تفتیش از حریم خصوصی دیگران مورد اتفاق است، محقق اردبیلی به صراحت ادعای اجماع بر حرمت تجسس و جاسوسی نموده (اردبیلی، زبده البیان، ص ۳۱۲) صاحب جواهر نیز قائل به اتفاق بوده و عدم جواز تجسس را از بدیهیات دین دانسته و مرتکب این عمل را فاسق می‌نامد (نجفی، ۱۳/۲۹۸) ایشان اقراری را موجب اثر می‌داند که با اختیار و آزادی انجام شده باشد، والا بالاتفاق در بین فقهاء فاقد اعتبار است (همان، ۴۱/۲۸۰) مرحوم شیخ طوسی اقرار ناشی از شکنجه، تهدید و دام‌گستری را فاقد اثر دانسته و استناد به چنین اقراری نمی‌توان دست متهم را قطع و او را ملزم به رد اموال مسروقه نمود (طوسی/۷۱۸) یحیی بن سعید حلی/۵۱۹ حلی می‌نویسد: «کسی که از روی اکراه و اجبار اقرار نماید، حد

بر او جاری نمی‌شود» (حلی، الجامع للشرائع، ۵۵۲/). حضرت امام خمینی ره می‌فرمایند: «اقرار ناشی از اکراه، اجبار و فریب اعتباری ندارد» (خمینی، ۵۱۹)

بنابر این عدم حجیت اقرار ناشی از شکنجه، تهدید و دام گستری، به اجماع و فتاوی فقهاء نمی‌تواند اثبات کننده جرم باشد (موسوی اردبیلی، فقه الحدود، ۲۵۸/۱) البته در این زمینه ادله فراوانی از آیات (حجرات / ۱۲، نور/ ۱۹) و روایات (کلینی، ۳۵۵/۲) وجود دارد که حرمت جاسوسی، تجسس و دام گستری را اثبات می‌کند، و پشتوانه و دلیل محکم برای ادعای اجماعات و فتاوی فقهاء می‌باشند.

علاوه بر ادله و فتاوی فوق می‌توان به پیامدهای ناگوار اجتماعی دام گستری و صحنه سازی به عنوان دلیل عدم جواز آن استناد کرد، به این معنی که با صرف اتهام اقدام به روش چون دام گستری موجب تجسس در حریم افراد می‌شود که از نظر شریعت مقدس اسلام به شدت آن را منهی دانسته است (موسوی اردبیلی، همان، ۲۶۰/۱)

س اول: آیا اثبات دلیل از طریق فیلم، عکس، ضبط صدا، فاکس، کاپی، دستگاه دروغ سنج، آزمایش خون و ... مشروع و معتبر هست؟ جواب: تمامی موارد یاد شده در اثبات دلیل، غیر مشروع و غیرقانونی می‌باشد.

س دوم: آیا قرارداد مصیبه که محققین تحت عنوان «دام گستری برای کشف جرم» از آن بحث کرده‌اند جایز است یا خیر؟ که امروزه خیلی هم اتفاق می‌افتد، مخصوصاً از جانب وزارت استخبارات یا اطلاعات. در جواب باید عرض کنیم که به عنوان اولی این عمل حرام است و جایز نمی‌باشد (درس خارج، سیفی مازندرانی ۱۳/۰۹/۹۷) فرقی هم بین مومن به معنای اخص و فاسق هم نیست (سیفی مازندرانی همان) در روایت آمده است که «عورة المومن علی المومن حرام» (بحار، ج ۷۲، ص ۱۷۰؛ ح ۴۲) راوی سؤال کرده منظور از عورت همان دوعضو قبیح است؟ می‌فرماید آنچه تو خیال کردی نیست، یعنی معایب او را بخواهد جستجو و کشف کند، این واژه مومن عمومیت دارد مثل «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات/ ۱۰) که مراد فقط اشخاص مومن و عادل نیست بلکه اگر فاسق هم بودند مشمول این نصوص بودند.

در نتیجه با توجه به دیدگاه‌ها نظریات و فتاوی فقهاء (مرعشی، القصاص/ ۲/ ۱۴۰) تحصیل دلیل

از طرق غیر مشروع همانند دام‌گستری هیچگونه اعتباری ندارند بلکه اعتبار و حجیت آن بستگی به اعتبار و حجیت علم قاضی بوده و با در نظر گرفتن مبانی مختلف در حجیت علم قاضی دیدگاه‌ها متفاوت خواهد شد.

ب- عدم اعتبار دادرسی غیر عادلانه

وجود عدالت قضائی و دادرسی عادلانه یگانه آرزو و گوهری گم شده در زندگی اجتماعی بشر بوده است، قرآن از مهمترین اهداف بعثت انبیای الهی را اقامه عدالت معرفی نموده است، و فرموده: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، همانا پیامبرانم را با دلایل روشن و همراه شان کتاب و میزان فرستادیم، تا مردم به قسط و عدل قیام کنند» (حدید/۲۵).

قرآن مجید دادرسی عادلانه را فلسفه وجودی دستگاه قضا در نظام حقوقی اسلام معرفی می‌کند، در این زمینه به صراحت بیان می‌کند: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ، و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید» (نساء/۵۸) در این بخش پایانی آیه شریفه خداوند متعال به همه مسلمانان و دستگاه‌های قضا که وظیفه شان داوری و فصل خصومت بین مردم است دستور داده که وقتی به امر داوری پرداختید باید عادلانه قضاوت و داوری کنید «أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» از این تصریح به امر عدالت دانسته می‌شود که دادرسی عادلانه از نظر دین مبین اسلام در نظام قضایی یک اصل، یک قانون و یک وظیفه است، دادرسی مبتنی بر روش دام‌گستری که ضابطان دادگستری خود زمینه یک دادرسی غیر عادلانه و ظالمانه را فراهم کرده هیچ اعتبار و ارزش ندارد (Presumption of Innocence violation) عدالت به عنوان اُمّ الاصول محاکمات جزایی، همه اصول حاکم بر حقوق جزا را در جهان مترقی کار بردی و ساپورد می‌کند و در قوانین افغانستان به آن تاکید شده است (غلام حیدر، اصول محاکمات، ص ۱۰۸) که از هرگونه اتهام و سؤ ظن نسبت به متهم اجتناب کند، متهم بی گناه شناخته می‌شود تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد (برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه (دادگاه) با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می‌شود.)

بنابراین در ظل تقید و پای‌بندی به اصل برائت تمام آرامش روانی، صفا و صمیمیت حاصل می‌شود یکی از مصادق و موارد نقض اصل برائت اقدام به استفاده از روش‌های چون دام‌گستری و اقدامات تحریک آمیز از ناحیه پلیس و ضابطان دادگستری استاز افتخارات نظام حقوقی اسلام پایبندی عملی به رعایت اصل برائت است که نسبت به تمام نظام‌های حقوقی جهان در این زمینه پیشگام بوده به خاطر که در نظام حقوقی اسلام اصل برائت ناشی از کرامت ذاتی انسان بوده، که تضمین‌کننده امنیت افراد، تقدیم قاعده درء، تقدیم قاعده ترجیح عفو بر کیفر است (سر مست بناب، اصل برائت، ص ۵۳ و ۶۲) در حقوق اسلام رعایت عدالت و بی‌طرفی پایه و اساس دادرسی منصفانه می‌باشد، خروج از آن مساوی با کفر یا شرک به خدا محسوب می‌شود (وسایل الشیعه، جلد ۱۸، ص ۱۸) چنانکه اجرای دادرسی عادلانه را درسیره عملی و قضایی حضرت علی علیه السلام مشاهده می‌کنیم، هنگامی که برای گرفتن زره خود که در نزد مردی یهودی بود به شریح قاضی مراجعه نمود تا از وی داد خواهی نماید، شریح از باب احترام به آن حضرت از جای خود بلند شد که آن عدم رعایت تساوی و عدالت بین متخاصمین بود، حضرت برای تنبیه او فرمود: ای شریح این اول جور تست، هم چنین فرمودند: کسی که گرفتار قضاوت و داوری بین مردم می‌شود باید حتی در اشاره و نگاه کردن و وضع نشستن بین آنان مساوات را رعایت کند (ساعدی، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح، ۳/۳۵) از نظر فقه امامیه نقض رای قاضی با صلاحیت حرام است (رشتی، القضاء، ۱/۱۰۷) مگر در سه مورد، که یکی از آن این است که قاضی نخستین دادرسی عادلانه را رعایت نکرده باشد قاضی دومی می‌تواند آن را نقض کند و بر طبق اجتهاد و نظر خود دو باره انشای رأی کند (جوهر، ۹۴/۴۰ و ۱۰۶)

در نتیجه باتوجه به مفاد آیات و روایات در دادرسی کیفری رعایت عدالت و حقوق طرفین دعوی و نیز رعایت شیوه تحصیل دلیل به روش قانونی و شرعی لازم و ضروری است که در فرض عدم رعایت آن چنین دادرسی و صدور حکم ناقض اصل برائت، قانون و شریعت بوده ارزش ندارد، وجه جمع این نتیجه با نتیجه بند اول در این است که این نتیجه ناظر به احوالات شخصی افراد است به خلاف نتیجه بنداول که ناظر به منافع و مصالح جمعی است که از باب مقدمه توسل به روش دام‌گستری واجب خواهد بود، و حالکه استفاده از روش دام‌گستری در بند دوم جواز ندارد.

گفتار چهارم: ادله حکم جواز و یا عدم جواز دام‌گستری از نظر فقه حنفی

در این بخش ادله حکم جواز و یا عدم آن در طی مباحث چون وجوب حفظ نظام و وظایف دستگاه قضا پیشگیری از جرم از منظر فقه و مکتب حنفی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: ادله حکم جواز دام‌گستری

در این فراز از بحث مباحث چون وجوب حفظ نظام، اموال و حقوق مسلمین و اعتبار علم قاضی به عنوان ادله جواز دام‌گستری از منظر فقه حنفی مورد تفحص قرار داده می‌شود.

الف - وجوب حفظ نظام، اموال و حقوق مسلمین

دانشمندان اهل سنت بر این باورند که بعد از رحلت پیامبر ﷺ مشروعیت و امر حکومت کلاً به اختیار و انتخاب امت سپرده شده است که در بحث حکم حکومتی از نظر فقه حنفی قبلاً بیان شد، فقهای اهل سنت مبنا و دلیل اصلی حفظ حکومت و نظام را مصلحت جامعه اسلامی می‌دانند، که نویسندگان اهل سنت تاریخ توجه به مصلحت را زمان خلیفه اول نوشته‌اند که همان گرد آوری قرآن بر پایه مصلحت و حفظ دین بوده است (شاطبی، الاعتصام، ۱۱۳/۲).

یکی از جرایم علیه اموال که دین مبین اسلام به آن توجه داده جرم سرقت است، این جرم به انواع مختلفی تقسیم بندی شده همانند در شب یا روز، با سلاح یا بدون آن، از منازل یا بانک‌ها و غیره که هر کدام در شرایط خاص مجازات‌های مخصوص به خود را دارد (مواد ۱۱۱ الی ۱۸۱) در فقه اسلامی حرمت مال مسلم را هم چون حرمت خون اومی داند که مجازات علیه مجرم آن از حبس گرفته تا قطع دست معرفی می‌کند (مکارم شیرازی/۱/۲۳).

فقهای حنفی اعم از متقدم و متاخر به خاطر حفظ اموال مسلمین به بحث جرایم چون سرقت، احتکار و ... پرداخته‌اند، سمرقندی (فتاوی النوازل، ۱۱۸) فرید و جدی مطابق فتوای ابوحنیفه سرقت را چنین تعریف می‌کنند: «سرقت در اصطلاح این است که انسان عاقل و بالغ ده درهم مسکوک را از حرز که شبهه در آن نباشد به طور پنهانی بردارد» (قانون سرقت، ۵۳). ولی مقدار مال سرقت شده از نظر فقهاء حنفی باید حد اقل ده درهم و یا بیشتر از آن باشد (القزوینی، ص ۷۶۹) فقهای حنفی معتقد به عدم قطع دست و اجرای حد برای سرقت شریک از مال مشاع

می باشند و نیز چیزهای که سریع فاسد می شوند همانند شیرو سبزیجات اجرای حدود را در این گونه اشیاء لازم نمی دانند (الکافی فی فقه الحنفی، ص ۱۴۲۱) حصکفی وکاسانی (البدائع، ۱۲۹/۵) از فقهای حنفی در بحث و تعریف فقهی احتکار روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که حضرت فرمود: «هرکس به زیان مسلمین چهل روز احتکار کند خدا او را به جذام و بی چیزی مبتلا سازد» (جرم احتکار در مذاهب اهل سنت، ۱۱۲/۱) علمای حنفی برای جواز استفاده از روش دام گستری جهت حفظ و مراقبت از نظام حاکم و اموال مسلمین به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک نموده اند، ابن سعد حنفی بانگاهی به سیره و روش زندگی حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می نویسد: که ایشان برای آگاهی و اطلاع از اطراف و از دشمنان به اعزام جاسوسان و مخبرین در میان قبائل عرب اقدام می کردند، با مراجعه به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله پیشینه دام گستری روشن می شود، از باب نمونه پیامبر صلی الله علیه و آله برای اینکه اخبار و تحرکات قریش را داشته باشد دونهفر به نام های انس و مونس فرزندان فضاله را برای کسب اطلاعات و تحرکات دشمن مامور کرد تا بیرون از شهر رفته اخبار و اطلاعات حاصله را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برسانند، و آن دو نفر هم اخبار لازم از قبیل تعداد نفرات، تجهیزات و اسبها و شتران و افراد سرشناس را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت مخفی می رسانند، که بعد از آن حباب ابن منذر را به صورت مخفی برای آگاهی از جایگاه استقرار اسپاه دشمن فرستاد تا در این زمینه به جمع آوری اطلاعات بپردازد (ابن سعد، طبقات، ۱۴۰۹: ۲۰۴/۱) اگرچه روش مبارزه با دشمن و مجرم ذاتا فرق دارند ولی از این جهت که هر دو دشمن اند یکی داخلی و دیگری خارجی فرق ندارند.

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بر این روش جاری و ساری بود که علاوه بر زمان جنگ، در مواقع دیگر نیز افرادی کار آزموده را برای کسب اطلاعات به اطراف اعزام می کردند، تا اوضاع واحوال عمومی را در اختیار داشته و در صورت نیاز پیش قدم باشد، از جمله یکی از این مخبرین اعزامی پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش دادند که دو تیره بنی محارب و بنی ثعلبه از قبیله عطفان تحرکات و اقدامات را برای ضربه زدن به اسلام و حکومت مدینه روی دست دارند، به منظور این هدف مصروف به گردآوری سلاح و سرباز می باشند (ابن سعد، همان، ۳۹۵/۸۱) به دنبال این خبر پیامبر صلی الله علیه و آله با سربازان مخصوصی خود به سمت منطقه نجد عازم شدند که غزوه ذات الرقاع به وقوع پیوست

که سپاه اسلام در آن به پیروزی رسید .

واقدی می‌گوید: که آن حضرت پیامبر ﷺ در جنگ‌های خود از ستون پنجم و نفوذ به میان دشمن نیز استفاده می‌کرد در داستان عبدالله بن جحش آمده است: «اذا نظرت فی کتابی هذا فامض حتی تنزل «نخله» بین مکة و الطائف فترصد لنا عیر قریش و تعلم لنا من اخبارهم، هنگامی که نامه را خواندی در سرزمین نخله فرود آی و در آنجا در انتظار قریش بنشین و از اوضاع آنها ما را مطلع ساز» (المغازی، ۹/۱-۱۰) بازهم دشمن داخلی (مجرمین) و خارجی در جهت خطرناک بودن شان برای نظام و امنیت جامعه اسلامی فرق ندارد چنان که در جنگ احزاب نعیم ابن مسعود را که فردی تازه مسلمان بود در بین قریش و دیگر قبائل فرستاد تا ایجاد تفرقه کند که در نهایت این تفرقه یکی از عوامل شکست مشرکان در جنگ احزاب بود (جامع البیان، ۵۷۸/۲) خلاصه باتوجه به معیار مشروعیت حکومت از نظر اهل سنت، و نیز سیره نبی مکرم اسلام ﷺ اقدام به روش تحقیق و تفحص مخفی از دشمنان نظام اسلامی و حساسیت فقهای حنفی نسبت به جرائم علیه اموال از نظر فقهای این مکتب اقدام به روش دام‌گستری و تفتیش‌های مخفی به خاطر حفظ نظام و اموال مسلمین نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری می‌باشد.

ب- اعتبار علم قاضی مطلقاً

مقصود از علم قاضی علم عادی است، که فقها در رابطه با اعتبار و یا عدم آن اختلاف نظر دارند، از نظر فقهای امامیه علم قاضی یکی از طرق اثبات دعوا بوده که از صدر اسلام به اتفاق نظر فقهاء مورد تاکید بوده است، جایگاه ارزش و اعتبار آن همواره در بین فقهاء و حقوقدانان برای صدور حکم مورد بحث و نزاع بوده، که گاهی از سوی مقنن به اعتبار و ارزش اثباتی آن تاکید شده، و گاهی در عداد ادله اثباتی قرار داده نشده است، اکثر فقهاء عامه (مغنی المحتاج، ۳۹۸/۴) و خاصه (الخلاصه، ۲۴۲/۶) از قدماء گرفته تا معاصرین از امامیه در اعتبار علم قاضی اتفاق نظر دارند و آن را از ادله اثباتی دعوا می‌دانند ولی در مقدار نفوذ موضوعات و شرایط آن اختلاف نظر دارند (القضاء والشهادات، ص ۹۱) اعتبار علم قاضی از نظر قائلین (شیعه و سنی) در حقوق الناس بوده که حقوق الله اختلاف نظر دارند چنانکه نظر شافعی در حقوق الناس همین است (بدایه المجتهد: ج ۲، ص ۵۰۷) از اهل سنت دو قول

در کتب فقهی شان آمده، محی الدین نووی ضمن اشاره به هر دو قول، اعتبار آن را در حق الناس قول صحیح عنوان می‌کند، که مزنی هم همین قول را اختیار کرده است (المجموع، ۱۶۲/۲۰) شافعی با توجه به دو قول، دلیل عدم اعتبار علم قاضی را در حق الله امکان رجوع مقرر از اقرارش می‌داند (شافعی همان: ۵۰۷/۲) که در حقوق الناس امکان ندارد که مقرر از اقرارش رجوع کند برخی از فقهاء عامه که علم قاضی را در حقوق الناس معتبر می‌دانند، دایره اعتبار را محدود به اموال کرده‌اند. شوکانی از بخاری نقل نموده که برخی اعتبار علم قاضی را در غیر اموال قبول ندارند، در ادامه از ابوحنیفه نیز همین قول را بر مبنای استحسان نقل کرده است، ولی اگر مبنای قیاس باشد، علم قاضی را در سایر موارد نیز می‌توان معتبر تلقی کرد (نیل الاوطار، ۱۹۷/۹) از ابوبکر کاشانی و سمرقندی نیز مشابه این قول نقل شده است (بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۵۲) در اعتبار علم قاضی در حقوق الله بین فقهاء عامه و خاصه اختلاف نظر وجود دارد، در حالی که عامه علم قاضی را در حدود نافذ و معتبر نمی‌دانند، محمد بن شربینی که در حقوق الناس قائل به حجیت است، دلیل عدم اعتبار آن را در حدود حدیث درء می‌داند (مغنی المحتاج، ۳۹۸/۴) سرخسی در المبسوط آورده است در صورتی که مبنای قیاس باشد به دلیل اقوی بودن مشاهده سبب از سوی قاضی نسبت به شهادت شهود، علم وی می‌تواند اساس باشد (المبسوط، ۱۲۴/۹) اما اگر مبنای صدور حکم استحسان قرار گیرد در حقوق الله خالص مانند حدود، فاقد اعتبار خواهد بود، برخی از فقهاء اهل سنت نیز در عدم اعتبار آن در حدود ادعای اجماع کرده‌اند نووی قول به اعتبار علم را به ابوالعباس و ابوعلی بن ابی هریره نسبت داده است (شوکانی، نیل الاوطار، ۱۹۷/۹) ولی می‌گوید نظر اکثر اصحاب اهل سنت بر عدم اعتبار علم قاضی در حقوق الله است (نوری، المجموع، ۱۶۲/۲۰) عامه در میزان نفوذ و شرائط تحقق اعتبار علم قاضی اختلاف کرده‌اند، آیا لازم است پس از تصدی امر قضا حاصل شده باشد؟ یا علم قبل از آن نیز معتبر است؟ اکثر فقهاء آنگونه که در مباحث قبلی اشاره شد فرقی میان زمان حصول علم قائل نیستند، با این همه ابن قدامه از ابوحنیفه نقل کرده است که قاضی نمی‌تواند بر اساس علم حاصله قبل از تصدی امر قضا حکم کند، چون عمل به علم خود هم چون پذیرش شهادت شهود است و چون قبل از تصدی قضا شهادت شهود نزد او اعتباری ندارد، علم حاصله نیز اعتبار نخواهد داشت (ابن قدامه، المغنی، ۴۰۱/۱۱) برخی دیگر خلاف این قول را به ابوحنیفه نسبت داده و از او نقل کرده‌اند که

حصول علم قبل و بعد از تصدی قضا برای صدور حکم معتبر است (أسیوطی، جواهر العقود، ۲/۲۹۰) قائلین به اعتبار علم قاضی به آیاتی از قرآن کریم و روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد کرده‌اند که مخاطبش حاکم و قاضی می‌باشد مانند این آیه شریفه: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (المائدة/ ۳۸) «الرَّائِيَةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (النور/ ۲) فقهاء دراستناد به این آیات گفته‌اند: مخاطب در آن قاضی است، اجرای حکم قطع ید و شلاق که معلق بر وصف سرقت و زنا می‌باشد نیز مربوط قاضی است که در صورت حصول علم برای وی ناگزیر از صدور حکم است (ایضاح الفوائد، ۴/۳۱۳)

نیز به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد کرده‌اند که در قضیه هند همسر ابوسفیان وقتی از شوهرش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت نمود که مرد بخیلی است نفقه کافی به او و فرزندانش نمی‌دهد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «خذی ما یکفیک وولدک بالمعروف، یعنی خود و فرزندانت به اندازه عرف از اموال ابوسفیان بردار» (ابن قدمه، المغنی، ۱۱/۴۰۰).

طبق مفاد این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هند بینه نخواستند بلکه بر طبق علم خود حکم را صادر نمود، در نتیجه بنا بر منابع که بیان شد اگر چنانچه در یک زمانی جرمی اتفاق افتاده و حاکم شرع علم دارد که این جرم توسط فلان شخص انجام شده، منتها مکان و زمان جرم را نمی‌داند و دلیل هم علیه او ندارد، با توجه به آیات و روایات که دال بر اعتبار علم قاضی بود به نظر می‌رسد که علمای حنفی بر این باورند که در حقوق الناس قاضی می‌تواند به علم خود اکتفا نموده نسبت به افراد که مرتکب جرم و خطای شده و علم دارد اقدامات لازم را اتخاذ نموده همانند استفاده از روش‌های چون دام‌گستری و اغفالگیری برای تحصیل دلیل و مدرک تا آنان را به پنجه قانون سپرده و به سزای اعمال شان برساند، در این گونه قضایا هم به خاطر اهمیت موضوع که حقوق الناس است قاضی می‌تواند از روش چون دام‌گستری استفاده کند، اگر چه صراحتاً در کلام فقهای حنفی نیامده ولی ضمناً قابل استنباط است.

بند دوم: ادله حکم عدم جواز دام‌گستری

مباحث این بند دوم مربوط به عدم جواز دام‌گستری از نظر فقه حنفی در ضمن عناوین چون

وظایف دستگاه قضا و ضابطان پیشگیری از جرم بوده و نیز دام گستری دفاع به نفع متهم مورد بحث و تحقیق قرار می‌گیرد.

الف - وظایف دستگاه قضا و ضابطان پیشگیری از جرم

رویکرد فقه جزائی اسلام به مساله دام گستری با توجه به اینکه یک واژه و اصطلاح جدید در فقه است و این اصطلاح در کتب فقهی اعم از مکتب اهل بیت علیهم السلام و مکاتب اهل سنت با این عنوان چون دام گستری نیامده و سابقه ندارد بلکه الفاظ هم معانی آن همانند حیله، فریب، خدعه، مکر و ... آمده که با بررسی این الفاظ مشابه از نظر فقه و مکتب حنفی جایگاه دام گستری روشن می‌شود (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۸۶، ۲۱۱) واژه حیله (دام گستری) در منابع فقهی از جهات گوناگون مورد بحث قرار گرفته و به اقسامی چون احکام پنجگانه تکلیفی واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح تقسیم شده است (فتح الباری، ج ۱۲، ص ۲۸۹) فقهای برخی مذاهب چون مذهب حنبلی‌ها بیشتر دامنه حیله (دام گستری) حرام را توسعه داده‌اند، مثلاً حیلی را حرام دانسته‌اند که اسباب واسطه در آن به خودی خود غیر مجاز و ممنوع باشد، و هم چنین حیلی را که غرض از کاربردش تحلیل حرام یا فرار از حکم خدا باشد (ابن قدامه، المغنی، ج ۴، ۱۷۹/۱) در مقابل فقیهانی که اصولاً با کاربرد حیله موافق‌اند، مانند حنفیان و شافعیان، مصادیق حیل جایز اعم از واجب، مستحب، مکروه و مباح را مجموعه وسیعی از احکام می‌دانند، غالباً مشروعیت سبب، یعنی صرف مباح بودن طریقی که ما را به مباحی دیگر می‌رساند، را معیار جواز شمرده‌اند از نظر آنان، فقط حیلی (دام گستری) غیر مجاز است که با مقاصد شریعت و اهداف تشریح ناسازگارند (سرخسی، المبسوط، ۹۵/۵)

ابن قیم جوزی در تقسیم بندی حیل، علاوه بر مشروع بودن یا نبودن طریقی، به قصد کسی که حیله (دام گستری) را به کار می‌برد هم توجه نموده و از این منظر حیله را به چهار گونه تقسیم کرده است (ابن قیم، اعلام الموقعین، ج ۳، ص ۳۳۴-۳۳۵) هم چنین در تقسیم بندی دیگری به چگونگی تأثیر حیل بر مقاصد شریعت و مصالح احکام توجه شده است (بحیری، حیله‌های شرعی، ج ۱، ص ۳۴۱) مهمترین ضابطه و شرط مشروعیت حیله (دام گستری) از دیدگاه فقه اسلامی

وحنفی، مشروعیت واسطه کارحلال یعنی سببی است که ما را به وضع جدید می‌رساند، به بیان دیگر نمی‌توان از وسایل و راه‌های حرام برای نیل به حلال استفاده کرد که از مصادق اتم آن همان استفاده از روش دام‌گستری و تفتیش‌های مخفی برای دو هدف مهم نظام حقوق کیفری یعنی پیشگیری از وقوع جرم، تعقیب مجرمان و کشف جرم می‌باشد، در نتیجه با توجه به اینکه دام‌گستری از مصادق واقسام حیل‌ه حرام می‌باشد به خاطر که وظیفه اصلی دستگاه قضا و پلیس پیشگیری از جرم و یا کشف و تعقیب مجرمین بوده نه تشویق و اقدام به آن و از طرفی دیگر ورود به حریم خصوصی افراد با مقاصد اصلی شریعت ناسازگاری دارد لذا از نظر فقه حنفی جواز ندارد و ممنوع است دستگاه قضا نمی‌تواند از این روش استفاده کند (فتح الباری، ۱۲/۲۸۹).

ب- دام‌گستری دفاع به نفع متهم

دام‌گستری به عنوان دفاع به نفع متهم دارای مبانی و پشتوانه بوده که عبارتند از اصل برائت، اصل آزادی، دادرسی منصفانه، عدم اعتبار طرق غیرقانونی و شرعی، رویکرد عینی و قاعده دَرء، اگر چه واژه دام‌گستری در منابع فقهی حنفی و اهل بیت علیهم‌السلام مورد بحث و تحقیق قرار نگرفته است، ولی مبانی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته که موجب عدم اجرای حدود و مجازات که از روش دام‌گستری به اثبات رسیده است می‌شود، یعنی با وجود شبهه و تردید در اثبات اتهام، حرمت عمل، یا آگاه بودن متهم از این حرمت، یا ماهیت موضوع، یا وقوع عمل، یا انتساب آن به متهم، یا ارتکاب عمل از روی اختیار، یا شیوه محاکمه، یا منصفانه و عادلانه بودن دادرسی و ... مجازات از متهم منتفی خواهد بود (سید مصطفی، قواعد فقه، ج ۴، ص ۴۳) از مهم‌ترین مستندات فقهی قاعده درء احادیثی است «إِذْرَوْا الْحُدُودَ بِالشُّبُهَاتِ» که در منابع حدیثی اهل سنت با تعبیری چون «إِذْرَوْوا الْحُدُودَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» و «إِذْفَعُوا الْحُدُودَ عَنْ عِبَادِ اللَّهِ مَا وَجَدْتُمْ لَهُ مَدْفَعًا» (شوکانی، نیل الاوطار ج ۷، ص ۲۷۱-۲۷۲) آمده است، البته کثرت طرق نقل و وحدت مضامین احادیث مزبور موجب شده که فقهای مذاهب مختلف اسلامی قاعده درء را قابل استناد، مقبول و موجه تلقی کنند (عینی، کنز الدقائق، ج ۲۰، ص ۲۵۹) فقهای حنفی صراحتاً اصل برائت را اجماعی و مسلم معرفی کرده‌اند و در احکام گوناگون مربوط به حدود به این اصل استناد کرده و بر پایه آن فتوا داده‌اند، به تعبیر دیگر اصل

برائت از منظر آنان اصل خدشه ناپذیر و یک قاعده است، هر چند تطبیق آن برپاره‌ای موارد، نیاز به بحث دارد (کاسانی، بدائع الصنائع، ج ۹، ص ۱۷۶، ۱۸۶) در نتیجه بنابر مفاد قاعده درء که از نظر فقه و فقهای مکتب حنفی جایگاه ویژه‌ای دارد دام گستری که از ناحیه ضابطان قضایی و ماموران پلیس امنیتی برای تحقق جرم توسط متهم انجام گرفته است، متهم می‌تواند از آن به عنوان دفاع به نفع خود استفاده کند، به دلیل که اقدامات عملیات دام گستری برای ارتکاب جرم توسط متهم ایجاد شبهه می‌کند چون که ارتکاب وی با فریب و سوء رفتار و یا تحریک و اغفال مأمورین قضایی تحقق یافته است، اگر زمینه سازی و رفتارهای فریب کارانه ضابطان قضایی نبود متهم و یا افراد عادی دیگر اصلاً در صدد انجام جرم بر نمی‌آمد و از طرفی دیگر این رفتاری که ضابطان قضایی و ماموران امنیتی انجام می‌دهند از نظر حقوقی به عنوان معاون در ارتکاب جرم شناخته می‌شود، با توجه به قاعده درء و اصل برائت دام گستری دفاع به نفع متهم از نظر فقها و مکتبی حنفی محسوب شده و جواز ندارد.

نتیجه

دام گستری به معنای گستردن دام برای دستیابی به افراد مظنون به جرم که بدون توسل به روش دام گستری امکان دسترسی به آن‌ها به خاطر نبود دلیل وجود ندارد، حکم جواز و یا عدم جواز آن را از منظر فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه حنفی در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار دادیم که به این نتیجه کلی رسیدیم که دام گستری را نمی‌توان به طور مطلق قبول نمود و نمی‌توان به طور مطلق رد کرد، به دلیل که استفاده از آن برای حفظ مصالح عمومی و کشف و تعقیب مجرمین خطرناک و سازمان یافته نه تنها جایز بلکه لازم و ضروری است، ولی نسبت به حریم خصوصی افراد جامعه و شهروند عادی استفاده از آن به اتفاق همه اندیشمندان و حقوقدانان جواز ندارد، بنابر این با توجه به موارد استعمال آن، حکم جواز یا عدم جواز آن مورد بررسی قرار گرفته که هرکدام نسبت به دیگری فرق می‌کند.

کتابنامه

- ابوبکرین مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۹، ص ۱۷۶، ۱۸۶؛
ابوبکرین مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، چاپ محمد محمد تامر،
محمدسعید زینی، و وجیه محمدعلی، قاهره ۱۴۲۶/۲۰۰۵.
- احمد، ابن تیمیه، کتاب بیان الدلیل علی بطلان التحلیل، چ حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت
۱۴۱۸
- احمد، ابن فارسی، ابی الحسین، معجم مقابیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمدهارون،
۱۴۰۴ق.
- احمد، مقدس اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، المكتبة الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
احمدبن حسین بیهقی، کتاب السنن الکبری، چاپ عبدالسلام علّوس، ریاض ۱۴۲۵/۲۰۰۴.
احمدبن یحیی، بلاذری، انساب الأشراف. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴.
اخوان حکیمی، الحیة با ترجمه احمدآرام، ۶ جلد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چ: مکرر، ۱۳۸۰
اسماعیل، رحیمی نژاد، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، ۱۳۸۷.
باقر، سرمست بناب، اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، سال ۱۳۸۷ش
جلیل امید، «قاعدة درء و تفسیر نصوص جزایی» مقالات و بررسیها، دفتر ۷۳، ش ۳ (تابستان ۱۳۸۲).
جمعی از محققان، جهاد در آینه قرآن، دو جلد، انتشارات زمزم هدایت، قم، اول، ۱۴۲۸ه ق
حسن بن یوسف علامه حلّی، تذکرة الفقهاء، ج ۱۲، ص ۳۴۹، قم ۱۴۱۴،
حسین علی، منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری،
ابوالفضل، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ق
- حسین، دهقان، بررسی قانون سرقت، ناشر، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹.
دکتر محقق داماد، جرم احتکار در مذاهب اهل سنت و قانون ضد احتکار افغانستان، موضوع
تحقیق درس فقه استدلالی جزایی.
- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ج ۲، ۱۳۷۴.
رحمدل، منصور، بار اثبات در امور کیفری، ص ۲۰ تا ۲۲
سلیمان، وهبی، الکافی فی فقه الحنفی، بیروت، چاپ مؤسسه الرساله، ۱۴۳۰ ه ق.

- سيد شهاب الدين، مرعشى نجفى، القصاص على ضوء القرآن و السنة، ۷ جلد، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى قدس سره، قم - ايران، اول، ۱۴۱۵ .
- سيد محمد، حكيم، مسائل معاصرة فى فقه القضاء، ۱ ج، دارالهلال، نجف، دوم، ۱۴۲۷ هـ.ق .
- سيد على بن محمد على، طباطبايى، رياض المسائل، قم: مؤسسة انتشارات اسلامى، ۱۴۱۷ اق .
- سيد على اكبر، قرشى، قاموس قرآن، ۷ جلد، دارالكتب الإسلامية، تهران، ششم، ۱۴۱۲ هـ.ق .
- سيد محمود هاشمى، جمعى از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليهم السلام ۳ جلد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت عليهم السلام، قم، ايران، اول، ۱۴۲۶ هـ.ق .
- سيد مصطفى، محقق داماد، قواعد فقه (بخش جزايى)، تهران: مركز نشر اسلامى، اميدى، ۱۳۱۰ .
- شاطبى ابواسحاق، الاعتصام، ج ۲، ص ۱۱۳، بيروت دار الكتب العلميه، ۱۹۹۵ م
- شمس الدين، سرخسى، المبسوط، بيروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ هـ.ق .
- شهاب الدين، ابن حجر، فتح البارى، شرح صحيح البخارى، بولاق ۱۳۰۰-۱۳۰۱، ج افسست بيروت .
- شيخ طوسى، النهايه فى مجرد الفقه و الفتاوى، ص ۷۱۸ .
- طبرى، ابن جرير، جامع البيان، ۵۷۸/۲ .
- عبد الواحد، تميمى آمدى، غرر الحکم و دررالکلم، دوم، قم: دار الكتاب الإسلامى، ۱۴۱۰ ق .
- عبدالله بن جعفر، حميرى، قرب الإسناد، اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۳ .
- عبدالرحمان، سيوطى، الاشباه والنظائر فى قواعد وفروع الشافعية، چاپ محمد محمد تامر وحافظ عبدالرحمن، الجزيرى، الفقه على المذاهب الاربعه، بيروت: دار احياء التراث العربى، لبنان .
- عبدالله ابن احمد، ابن قدامه، المغنى، چاپ افسست بيروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م .
- على اكبر، دهخدا، لغت نامه، چاپ سيروس، سال ۱۳۳۴ .
- على محمد سرورى، بررسى تطبيقى دام گستري در حقوق افغانستان و انگلستان، ص ۹ .
- فراييدى، خليل بن احمد، كتاب العين، ج ۷، ص: ۹۶ .
- فيومى، احمد مقرى، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، ج ۲، ص: ۱۰۱ .
- قربانعلى درى نجف آبادى، مجله علمى پژوهشى حكومت اسلامى، شماره ۱۷، ۱۳۷۹ ش
- قزوينى، الحافظ ابى عبدالله محمد بن يزید، ص ۷۶۹ .
- كلينى، محمد، الكافى، ج ۲، ص ۳۵۵
- محب الدين، زيبيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشردارالفكر، ج اول، بيروت، ۱۴۱۴ ق

- محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۲ ص ۲۲۹.
- محمد بن الحسن، طوسی، الخلاف فی الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶.
- محمد بن عیسی، ترمذی، سنن الترمذی، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۰۱ ق.
- محمد عبدالوهاب بحیری، ترجمه حسین صابری، حیل‌های شرعی ناسازگار با فلسفه، ص ۴۳
- محمد، ابن قیم جوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، چ طه عبدالرؤف سعد، بیروت ۱۹۷۳.
- محمد، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۳، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی و فیصل عیسی البابی، قاهره: مطبعه الحلبي القاهره، ۱۳۰۳ ق.
- محمد، ابن منظور، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفكر دار صادر، بیروت لبنان، سوم، ۱۴۱۴ ه ق.
- محمد، شوکانی، نیل الاوطار من احادیث سیدالاحیاء: شرح منتقى الاخبار، بیروت.
- محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، یک جلدی، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- محمدباقر، ساعدی، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ۴ جلدی، ناشر: انتشارات فیروزآبادی، مکان قم، سال ۱۳۷۴ ش، چ اول.
- محمدباقر، علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ ناشر: اسلامیه، تهران.
- محمدبن ابراهیم، الحیل الفقهية فی المعاملات المالية، چاپ الدارالعربية للكتاب ۱۹۸۳.
- محمدبن احمد شربینی، مغنی المحتاج، بیروت دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق.
- محمدبن حسن، حرعاملی، وسایل الشیعه، جلد ۱۸، کتاب قضاء، انتشارات الاسلامیه، ۱۴۰۳ ه ق.
- محمدبن حسن، طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران، ۱۳۸۸.
- محمدبن عبدالرحمان مبارکفوری، تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۴، ص ۵۷۳-۵۷۴،
- محمدحسن، نجفی، جواهرالکلام، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
- محمود ملک زاده، مطالعه تطبیقی دام گستری در حقوق ایران و آمریکا، (پایان نامه)، ص ۱۱.
- محبی الدین النووی، روضة الطالبین، ج ۸، ص ۱۴۱ و ۴۸۶.
- معاونت تربیت و آموزش ناجا، مهارت‌های انتظامی ۴ (اطلاعات) چاپ اول ص ۹۱-۸۹.
- معرفت، محمد هادی، تعلیق و تحقیق عن امهات مسائل القضاء، ص ۳۵۶.
- مکارم شیرازی، القواعد الفقیهه، ج ۱، ص ۲۳.
- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری،
- منوچهر، مومنی، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۸۲.

- منهاجی آسیوطی، جواهر العقود، ج ۲، ص ۲۹۰.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۲۶۰.
- میرزا علی اکبر، مشکینی، مصطلحات الفقه، نشر الهادی، قم، ۱۳۸۶ ش.
- میرمحمد صدیق، فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم، نشر دار التفسیر، ۱۳۸۰ ش.
- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ناشر: دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- نشوان، حمیری، شمس العلوم ودواء کلام العرب من الکلوم، ناشر: دارالفکر، اول، ۱۴۲۰ ق.
- نشوه علوانی، الحیل الشرعیة بین الحظر و الاباحه، دمشق ۱۴۲۳/۲۰۰۲.
- نصر بن محمد بن احمد، سمرقندی، بحر العلوم، طبع اول، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- یحیی بن شرف، نووی، المجموع: شرح المَهْدَب، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- یعقوب علی محمدی، «اصول حاکم بر تحصیل دلیل در فقه و حقوق کیفری ایران و افغانستان» (پایان نامه) راهنما استاد عادل ساریخانی، مشاور استاد اسماعیل آقا بابایی.

مقالات

- پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی، ص ۱۴۸.
- جعفر یزدیان جعفری، فصلنامه وکالت، ۱۳۸۴، ص ۴۳ به بعد.
- حسن علی مؤذن زادگان و عباس حسینی، «وضعیت دفاع دام گستری در حقوق کیفری آمریکا، فرانسه و ایران»، آموزه های حقوق کیفری بهار و تابستان ۱۳۹۱ - شماره ۳، ص ۲۴.
- سیاست متعالیه، سال ۶، شماره ۲۰، بهار ۹۷، جواز جاسوسی برای نظام سیاسی در فقه شیعه.
- شهلا معظمی، حسین گلدوزیان و دیگران، (۱۳۹۰)، رویکرد تطبیقی به مسئولیت طرفین دام گستری مأمور پلیس - متهم - در حقوق کیفری ایران و آمریکا، دانش انتظامی، شماره ۵۳ ص ۱۱۴.
- علامه، غلام حیدر؛ اصل تحصیل دلیل به روش قانونی در حقوق کیفری افغانستان؛ مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

